

اختلاف فاحش میان آمار پزشکی قانونی و وزارت کار درباره حوادث شغلی

اکثریت قربانیان حوادث کار، بیمه نیستند



علی بیرونی

سال ۱۳۹۶ کاهش ۶ درصدی داشته است.

وزارت کار: ۶۷۸ نفر بر اثر حادثه شغلی فوت کردند

طبق این گزارش، از ۹ هزار و ۹۹۶ فردی که سال گذشته دچار حادثه شدند ۶۷۸ مورد منجر به فوت شد. بیشترین حادثه شغلی مربوط به تهران پایتخت کشور است. ۱۵۶۳ حادثه رخ داده و ۱۷۹ نفر فوت کردند. بعد از آن اصفهان با ۱۲۳۶ حادثه شغلی ۵۰ نفر فوتی داشت. کمترین حادثه شغلی نیز مربوط به چهارمحال و بختیاری است که بر اثر ۱۵ حادثه سه نفر جان خود را از دست دادند.

سقوط اشیا، آتش سوزی، انفجار، خفگی، تماس با مواد شیمیایی خطرناک، گیر کردن داخل یا بین اشیا و ماشین، مسمومیت حاصل از مواد شیمیایی، تماس با اجسام و سطوح داغ، سقوط کردن و لغزیدن، ریزش و ماندن زیر آوار، برخورد با اشیا و تجهیزات و جریان برق از جمله حوادث شغلی هستند.

فعالیت ساختمانی بالاترین حادثه شغلی را دارد

نتایج بررسی جداول آماری وزارت کار بیانگر این است که فعالیت «ساختمان» با ۳۷۸،۸ درصد، «صنعت» با ۳۴۳،۳ درصد و سایر فعالیت‌های خدمات عمومی با ۱۱،۳ درصد به ترتیب بیشترین حادثه شغلی سال گذشته را به خود اختصاص داده است. آسیب‌دیدگان فعالیت ساختمانی در سال گذشته سه هزار و ۷۳۵ نفر بودند. سال گذشته سه هزار و ۳۹۴ نفر در بخش صنعت دچار حادثه شدند که نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش ۲۶۵ نفری داشت. بررسی آمارها ارائه شده از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان می‌دهد که بیشترین حادثه شغلی به تفکیک عامل حادثه در سال ۱۳۹۷، «سقوط کردن و لغزیدن» با ۳۴۳،۳ درصد و سپس «بر خورد با اشیا و تجهیزات» با ۱۹۶،۹ درصد است.

پزشکی قانونی: در حوادث کار نیمه اول ۸۳۶،۹۷ نفر جان باختند

باین حال، آمار پزشکی قانونی چیز

دیگری نشان می‌دهد و اختلاف بسیار بالایی با آمار ارائه شده از سوی وزارت کار نشان می‌دهد. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان پزشکی کشور، در نیمه نخست سال جاری (۱۳۹۸)، ۸۹۸ نفر در حوادث کار جان خود را از دست دادند. این رقم در گزارش این مرکز برای سال گذشته، ۸۳۶ نفر اعلام شده است. همچنین براساس آمار اعلامی پزشکی قانونی، در نیمه نخست سال

جاری ۱۴ هزار و ۲۰۰ مصدوم حادثه کار به مراکز پزشکی قانونی کشور مراجعه کردند که از این تعداد ۱۳ هزار و ۵۵۱ نفر مرد و ۶۴۹ نفر زن بودند و این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۳،۱ درصد کمتر شده است. با این حساب یعنی تنها در نیمه اول سال ۹۷ حدود ۱۴ هزار و ۶۵۴ نفر در حوادث ناشی از کار دچار حادثه شدند.

وزارتخانه نتوان در انجام وظایف قانونی

همان‌گونه که ذکر شد وزارت کار کل حوادث ناشی از کار در سال ۹۷ را برابر با ۹ هزار و ۹۹۶ نفر اعلام کرده است ولی گزارش سازمان پزشکی قانونی نشان می‌دهد که این آمار تنها در نیمه نخست سال بالغ بر ۱۴ هزار و ۶۵۴ مورد بوده است که اگر با تقریب آن را دو برابر کنیم تا کل حوادث شغلی در سال گذشته به دست بیاید به عدد ۲۹ هزار و ۳۰۸ فقره حادثه کاری در کشور دست می‌یابیم که ۱۹ هزار و ۳۱۲ مورد با آمار وزارت کار تفاوت دارد یا به عبارت دیگر حدود ۳ برابر آمار وزارت کار است. همین موضوع در جان‌باختگان حوادث کار نیز تکرار شده است. طبق آمار وزارت کار در سال گذشته ۶۷۸ نفر در حوادث کاری جان باختند ولی در آمار پزشکی قانونی برای نیمه نخست سال گذشته، این عدد ۸۳۶ نفر اعلام شده است یعنی فقط در شش ماه اول سال گذشته قربانیان حوادث کار ۱،۲۳ برابر آنچه بوده‌اند که وزارت کار برای کل سال آمار داده است. بخش عمده‌ای از این اختلاف آماری به این دلیل است که بیشتر قربانیان کار، فاقد بیمه تامین اجتماعی هستند، لذا پس از مواجهه با حوادث شغلی، برای دریافت مستمری و کمک‌های تامین اجتماعی به این نهاد مراجعه نمی‌کنند.

حوادث کار چه می‌گوید؟

طبق قانون، حادثه ناشی از کار عبارتست از اتفاق یا پیامدی که در جریان انجام کار پدید آمده و باصدمات شغلی مرگبار یا غیرمرگبار همراه باشد.

طبق آمار پزشکی قانونی در نیمه نخست سال گذشته ۱۴ هزار و ۶۵۴ مصدوم حوادث کار به مراکز پزشکی قانونی کشور مراجعه کردند و ۸۳۶ نفر در حوادث کار جان خود را از دست دادند

مطابق ماده ۶۰ قانون تامین اجتماعی، حوادث ناشی از کار حادثی است که در حین انجام وظیفه و به سبب آن برای بیمه‌شده اتفاق می‌افتد. مقصود از حین انجام وظیفه تمام اوقاتی است که بیمه‌شده در کارگاه یا موسسات وابسته یا ساختمان‌ها و محوطه آن مشغول کار باشد یا به دستور کارفرما در خارج از محوطه کارگاه عهده‌دار انجام ماموریتی باشد. اوقات مراجعه به درمانگاه یا بیمارستان یا برای معالجات درمانی و توانبخشی و اوقات رفت و برگشت بیمه‌شده از منزل به کارگاه جزو اوقات انجام وظیفه محسوب می‌شود مشروط بر اینکه در زمان عادی رفت و برگشت به کارگاه اتفاق افتاده باشد. حوادثی که برای بیمه‌شده حین اقدام برای نجات سایر بیمه‌شدگان و مساعدت به آنان اتفاق می‌افتد، حادثه ناشی از کار محسوب می‌شود.

وجود کلمه بیمه‌شده در ماده ۶۰ قانون تامین اجتماعی باعث شده است که بسیاری از قربانیان حوادث کار و بازماندگان آنها از حمایت‌های اجتماعی پس از حادثه محروم باشند، لذا در آمار سازمان تامین اجتماعی از حوادث کار دیده نشوند، با این حال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان نهادی که باید مسئولیت تنظیم روابط کار و حمایت‌های قانونی از کارگران را بر عهده بگیرد، متأسفانه حتی در شمارش و آمارگیری از حادثه‌دیدگان شغلی نیز ناتوان است و همین سبب شده است که فقط یک سوم از حادثه‌دیدگان حوادث شغلی در آمار این وزارتخانه دیده شوند.

اخبار کارگری

یک کارشناس حوزه کار: دستمزد سال ۹۹ کفاف زندگی کارگران را بدهد



یک کارشناس حوزه کار معتقد است برای تعیین دستمزد سال آینده کارگران باید کف حداقل‌های زندگی و نرخ تورم سبب معیشت کارگران محاسبه شود.

علیرضاحیدری در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به ماده ۴۱ قانون کار گفت: قانون می‌گوید که حداقل دستمزد باید به استناد دو مؤلفه نرخ تورم و سبب معیشت تعیین شود اما تا زمانی که به سبب معیشت نرسیم تورم بی‌معنات بنا بر این اول باید کف حداقل معیشت را به دست آوریم.

وی ادامه داد: صدر ماده ۴۱ قانون کار اشاره دارد که حداقل مزد بر اساس نرخ تورم تعیین شود ولی ذیل آن معیار دومی را هم تعریف کرده و گفته دستمزد باید به اندازه‌ای باشد که معیشت خانواده را تامین کند یعنی حداقل دستمزد به شکلی تعیین شود که فارغ از همه متغیرهای مؤثر در نیروی کار، تامین‌کننده نیازهای معیشتی باشد و کفاف زندگی کارگران را بدهد. این کارشناس حوزه کار افزود: آنچه که شورای عالی کار همه ساله دنبال می‌کند این است که روند مصوبات مزی را به سمت و سوی سوق دهد که به بند دوم ماده ۴۱ قانون کار نزدیک شود و صرف نظر از نرخ تورم که چه عددی باشد به رقم سبب معیشت کارگران برسیم، به همین دلیل نمایندگان کارگری در شورای عالی کار همواره بر سبب معیشت تاکید دارند.

به گفته حیدری، نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی گسترده است و بیشتر کالاهایی که بانک مرکزی تورم‌ش را اعلام می‌کند در سبد کالای کارگران نیست و نهایتاً به ۲۲ قلم برسد.

وی در عین حال درباره پیشنهاداتی که در خصوص تعیین مزد منطقه‌ای مطرح می‌شود، گفت: منطقه‌ای شدن دستمزد زمانی قابلیت اجرا دارد که شرایط جغرافیایی، اقلیمی و صنعتی در کشور مدنظر قرار گیرد و حداقل‌های دستمزد بر اساس صنایع و جغرافیای مکان تعیین شود. به‌رغم اینکه قانون آن را غیر مجاز ندانسته ولی شرکای اجتماعی تاکنون به این سمت نرفته‌اند و مذاکره جدی درباره تعیین مزد منطقه‌ای یا مزد متناسب با صنایع صورت نگرفته است.



جلودارزاده:

حداقل دستمزد کارگران بیشتر از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باشد



عضو فراکسیون کارگری مجلس با اشاره به حداقل دستمزد کارگران در سال آینده گفت: حداقل دستمزد برای سال ۹۹ باید بیشتر از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باشد و پذیرش رقمی کمتر برای سال بعد، مخالف حقوق کارگران است.

سهیلاجلودارزاده در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت گفت: رقم ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان، حداقل معاش خانوار کارگری در سال گذشته بوده که برای نرخ‌گذاری سال آینده باید با توجه به در نظر گرفتن تورم، این رقم محاسبه شود. عضو فراکسیون کارگری مجلس افزود: تورم نه تنها از سال‌های گذشته کاهش نیافته است بلکه به شکل‌های مختلف افزایش هزینه داشته‌ایم که با توجه به فرمول‌هایی که وجود دارد باید سبب مصرف خانوار محاسبه شود تا مشخص شود که حداقل دستمزد چقدر باشد.

وی با بیان اینکه برای سال ۹۹ حداقل دستمزد باید بیشتر از ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان باشد، گفت: پذیرش رقم کمتر برای سال بعد، اشتباه و مخالف حقوق کارگران است و باید محاسبات برای سال جاری انجام شود و در قانون داریم که اگر در سالی این مورد در نظر گرفته نشد باید جبران شود.

نقش آفرینی خود در بخش اقتصاد فراهم کنند. به این صورت تدریجاً در یک شرایط رقابتی سالم سهم تعاونی‌ها از اقتصاد به ۲۵ درصد می‌رسد.

در واقع کار ویژه تعاونی‌ها این است که نقش و سهم دولت در اقتصاد را کاهش دهند تا اینکه مانع حضور و نقش آفرینی بخش خصوصی شوند. مساله اصلی اقتصاد و واگذاری‌ها این است که دولت کوچک و چابک شده و جای اینکه خودش بنگاه‌داری کند به نظارت و سیاست‌گذاری بپردازد. تعاونی می‌تواند حلقه واسط برای تجمع منابع و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ باشد. اگر تعاونی همچنان به این سمت حرکت کند که امتیازی از دولت بگیرد در همچنان بر همان پاشنه‌ای می‌چرخد که قبلاً می‌چرخید. رویکرد و ذهنیت نسبت به تعاون باید تغییر کند.

بر اساس برنامه‌هایی که اجرا می‌شود می‌توانیم بگوییم رویکرد تغییر کرد و چشم‌انداز مناسبی برای بخش تعاون وجود دارد؟

باید به این نکته توجه داشت که اقتصاد با دستور متحول نمی‌شود. برای مثال در سال ۹۰ قانونی مصوب و در آن تاکید شده که دولت نباید سرمایه‌گذاری جدیدی انجام دهد اما می‌بینیم که دولت این کار را انجام می‌دهد. بر اساس قانون دولت موظف است بنگاه‌های اقتصادی را واگذار کند اما واگذاری‌های انجام شده بدون کارشناسی و اهلیت‌سنجی بوده است. ما شاهد تجربه و سرنوشت بنگاه‌هایی مانند هیپکو، آذرآب و نیشکر هفت تپه هستیم.

این جاه‌جا‌هایی بودند که تعاونی‌های قدرتمند می‌توانستند مشارکت و با سرمایه مردم و مدیریت درست اقتصاد دولتی را به اقتصاد مردمی تبدیل کنند. در غیاب تعاونی‌های مقتدر نوعی خصوصی‌سازی صورت گرفته که نقض غرض است. ماسیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را داریم و در برنامه‌های توسعه بر افزایش سهم تعاونی‌ها از اشتغال تاکید شده است. مادر پایان برنامه پنجم باید سهم تعاون از اقتصاد را به ۲۰ تا ۲۵ درصد می‌رساندیم، اما فکر نمی‌کنیم الان این سهم بیشتر از پنج درصد باشد. بخش عمده‌ای از مشکل ناشی از ساختار خود تعاونی‌هاست و انتظار می‌رود فعالان بخش تعاون تغییر رویکرد دهند. در واقع راهکار موفقیت تعاونی‌ها و اعضای تعاونی‌ها این است، مگر اینکه افراد در پوشش تعاونی اهداف دیگری را دنبال کنند و بخواهند به این صورت از بخش دولتی امتیازات و انحصاراتی بگیرند.

مشکلات هیپکو و آذرآب در غیاب تعاونی‌های مقتدر بروز کرده است

زمان که عموماً بخش خصوصی وابسته بود، نگاهی داشتند که منجر به تدوین و تصویب اصل ۴۴ قانون اساسی شد. در اصل ۴۴ عنوان شده که اقتصاد باید دولتی باشد و اگر دولت نتوانست حضور پیدا کند بخش تعاون وارد می‌شود و زمانی که نه بخش دولتی و نه بخش تعاونی نمی‌توانند حضور داشته باشند، بخش خصوصی وارد می‌شود. این نگاه، نگاه اشتباهی بود اما سال‌های سال ما این اصل را به همین صورت مدنظر قرار دادیم. این اصل و این نگاه، مانع توسعه اقتصادی و ایجاد فضای رقابتی بود. این وضعیت وجود داشت تا اینکه مقام معظم رهبری نیاز به بازنگری و تفسیر نو از اصل ۴۴ قانون اساسی را احساس کردند. ایشان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را ابلاغ و طبقه‌بندی قبلی را تغییر دادند. به دنبال این احساس نیاز به باز تفسیر اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی این اصل در مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و به صورت قانون درآمد. بر این اساس بنا شد جلوه‌انحصارات و اختلال در فعالیت بخش خصوصی گرفته شده و فضای رقابتی ایجاد شود. تعریف‌های جدیدی از اقتصادهای بزرگ و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ ارائه شد و به این ترتیب اجازه ورود و توسعه بخش خصوصی و تعاونی در حمل و نقل عمومی، حمل و نقل جاده، ریلی و هوایی، کشتیرانی و صنایع بزرگ صادر شد. در کنار آن باز تعریفی از بخش تعاون صورت گرفت.

این باز تعریف به چه مواردی اشاره دارد؟

آنچه در ذهن قانون‌گذاران در زمان تصویب قانون اساسی بود این بود که سرمایه‌های کوچک کنار هم جمع شده، با هم مشارکت و همکاری کنند و از این مشارکت، سرمایه‌های بزرگ برای کارهای اقتصادی بزرگ فراهم آید. به دلیل نبود ساختار مناسب و دولت‌محور بودن اقتصاد، تعاونی‌ها شکل می‌گرفتند تا از دولت امتیازاتی بگیرند یعنی اینکه افراد تعاونی مسکن تشکیل می‌دادند تا زمین مجانی از دولت بگیرند. تعاونی مصرف شکل می‌گرفت



گرچه از چند سال پیش و با اتخاذ سیاست‌های تعدیل اقتصادی، واگذاری بنگاه‌های دولتی مورد توجه قرار گرفته اما هیچ‌وقت به اندازه چند سال اخیر واگذاری‌ها خبر ساز نبوده و زیر ذره‌بین قرار نگرفته است. شاید اکنون بیش از هر زمان دیگری نتایج نوعی خصوصی‌سازی که از حدود دو دهه قبل آغاز شد پیش روی ماست. شاهد این بوده‌ایم که بنگاه‌هایی که زمانی در تملک دولت بودند کارگرهای مناسبی داشتند، پس از خصوصی‌سازی به شدت دچار مشکل شده، زیر ظرفیت تولید کار کردند و حتی دست به تعدیل نیرو زدند. خصوصی‌سازی غلط و تبعات آن برای کارگران به اعتراضات دامنه‌داری منجر شده که نمود بارز آن تجمعات و اعتصابات کارگران هیپکو، آذرآب و نیشکر هفت تپه است. در این میان آسیب‌شناسی‌های زیادی صورت گرفته و در جریان همین آسیب‌شناسی‌هاست که عنوان شده بخش تعاون مغفول مانده، حال آنکه اگر به این بخش توجه می‌شد بسیاری از مشکلات کنونی در واگذاری‌ها به وجود نمی‌آمد.

«محسن بهرامی ارض اقدس»، کارشناس مسائل اقتصادی در گفت‌وگو با خبرگزاری کار ایران، با اشاره به اینکه رویکرد به بخش تعاون باید تغییر کند، می‌گوید: بسیاری از تعاونی‌ها تشکیل می‌شوند تا امتیازات دولتی بگیرند. او همچنین به مسائلی پیش آمده در مورد واگذاری هیپکو، آذرآب و نیشکر هفت تپه اشاره و عنوان می‌کند: این اتفاقات در غیاب تعاونی‌های مقتدر رخ داده است.



چند سالی است که مسئولان از لزوم دستیابی سهم بخش تعاون از اقتصاد به ۲۵ درصد سخن می‌گویند اما چنین اتفاقی نیفتاده است. جایگاه بخش تعاون در اقتصاد ایران را چگونه تبیین می‌کنید؟ قانون‌گذاران در زمان تصویب قانون اساسی به دلیل شرایط اقتصادی، وضعیت دولت و بخش خصوصی استثمارگر آن